

مزایای تحلیل بنیادی

روند های بلند مدت:

تحلیل های بنیادی برای سرمایه گذاری بلند مدت بر روی روندهای بلند مدت و خیلی بلند مدت خوب است. توانایی تشخیص و پیش بینی روندهای بلند مدت مصرفی، تکنولوژیکی، جمعیت شناسی و اقتصادی می تواند به سرمایه گذاران صبور که گروه های صنعتی و شرکت های مناسبی را انتخاب می کنند، سود برساند.

ارزش گذاری:

تحلیل بنیادی مناسب به تشخیص شرکت هایی که ارزش خوب را نشان می دهند، کمک می کند. بسیاری از سرمایه گذاران معروف به فکر سرمایه گذاری بلند مدت و ارزشمند هستند. Graham و Dodd ، Warren Buffet و John Neff قهرمانان سرمایه گذاری ارزشی هستند. تحلیل بنیادی می تواند به کشف شرکت های با دارایی ارزشمند، برگه موازنه قوی، درآمد ثابت و استحکام، به ما یاری رساند.

فراست تجاری:

یکی از فواید بسیار آشکار ولی غیر ملموس تحلیل بنیادی، توسعه فهم جامعی از تجارت است. پس از چنین تحقیق و تحلیلی همراه با زحمت فراوان، سرمایه گذار با محرکهای کلیدی سودآور و درآمد زایی که در پس یک شرکت مخفی هستند، آشنا خواهد شد. درآمدها یا توقع از درآمد می توانند محرکهای بالقوه ای برای قیمت های سهم های فاقد سود معین (Equities) باشند. حتی برخی از تحلیل گران تکنیکی نیز با این امر موافق هستند. فهم خوب، به سرمایه گذاران کمک می کند تا از شرکت هایی که متمایل به رکود سریع هستند اجتناب نمایند و آن شرکت هایی که در حال رشدند را انتخاب نمایند. علاوه بر فهم تجارت، تحلیل تجاری به سرمایه گذاران اجازه می دهد که درکی از محرک های کلیدی ارزشمند به دست آورند. قیمت بازار سهام شدیداً تحت تأثیر گروه صنعتی آن بازار است. به واسطه مطالعه این گروه ها، سرمایه گذاران بهتر می توانند خود را در موقعیت شناسایی فرصت ها قرار دهند. فرصت های مختلفی وجود دارند مانند: فرصت های با ریسک بالا (مثل تکنولوژی)، ریسک پایین (مثل ابزار آلات)، رشد محور (مثل کامپیوتر)، محرک ارزش (مثل نفت) غیر دوره ای (مثل مواد خام مصرفی) یا در آمد محور (مثل عایدی بالا). بازار سهام همچون یک گروه حرکت می کند. به واسطه فهم تجارت یک شرکت، سرمایه گذاران بهتر می توانند خود را در موقعیتی قرار دهند که این بازار سهام را درون گروه های صنعتی مربوط به آنها دسته بندی کند. تجارت می تواند به سرعت تغییر کند و با آن عایدی شرکت تغییر می کند. این مطلب در مورد بسیاری از خرده فروشان صرفاً اینترنتی رخ داده است که در واقع شرکت های اینترنتی نیستند بلکه خرده فروشان ساده می باشند. شناخت تجارت یک شرکت و توانایی قرار دادن آن در یک گروه می تواند تفاوت عظیمی در ارزش های نسبی ایجاد کند.

معایب تحلیل بنیادی

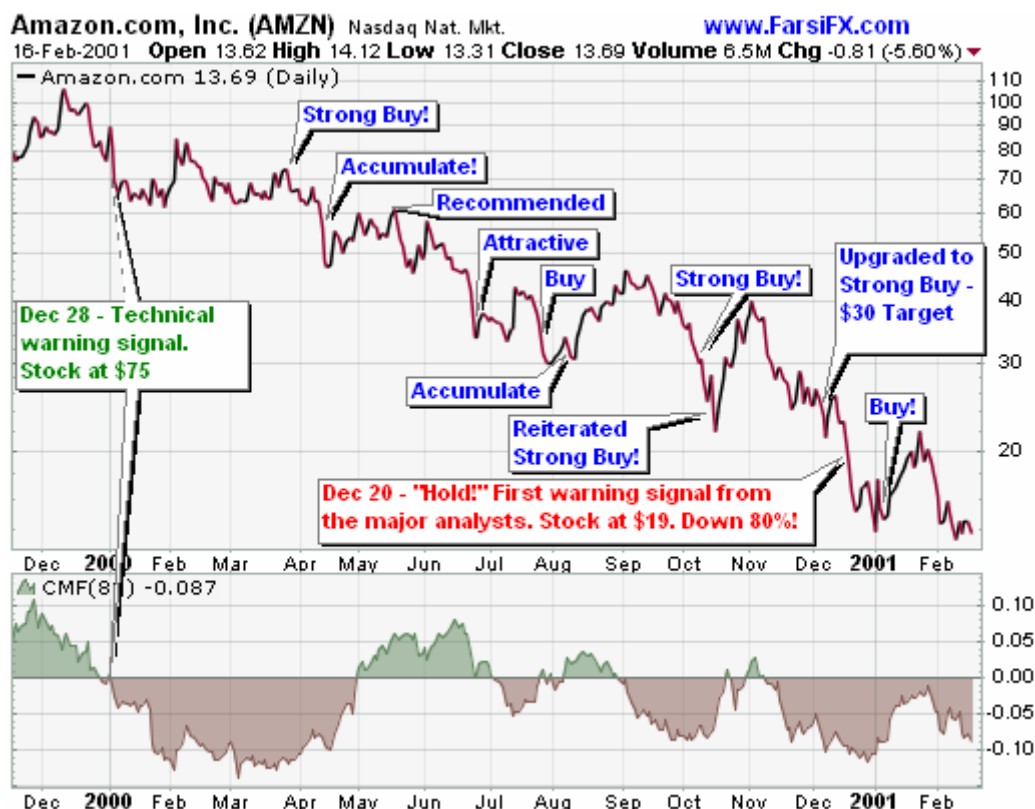
محدودیت های زمانی:

تحلیل بنیادی ممکن است بینشی فوق العاده ایجاد کند، اما به نحو غیر عادی ای وقت گیر است. مدل های وقت گیر معمولاً ارزش هایی ایجاد می کنند که با قیمت جاری رایج در wall street (بورس نیویورک) تناقض دارند. وقتی چنین میشود، تحلیل گر اساساً ادعا می کند که همه افراد در این بورس اشتباه کرده اند. این بدان معنی نیست که هیچ کدام از شرکت های wall street دچار سوء تفاهم نمی شوند اما کاملاً بی شرمانه خواهد بود که بگوئیم قیمت بازار اشتباه و بنابراین wall street اشتباه است.

مشخصه شرکت / صنعت :

ارزش تکنیک ها بسته به گروه صنعتی و مشخصات هر شرکت فرق می کند. به همین دلیل، داشتن تکنیک و مدل متفاوت، برای صنایع متفاوت و شرکتهای متفاوت ضروری است. این امر می تواند تقریباً وقت گیر باشد و میزان تحقیقی را که باید به عمل آید محدود سازد. مدل مبتنی بر مشترک شدن برای یک ISP مدل مناسبی است اما احتمالاً بهترین مدل برای ارزش گذاری یک شرکت نفتی نیست.
ذهن گرایی:

ارزش واقعی به پیش فرض ها بستگی دارد. هر تغییری در پیش فرض های فزاینده یا رشد می تواند ارزش نهایی را به نحو عظیمی تغییر دهد. تحلیل گران بنیادی عموماً از این مطلب آگاهند و از تحلیل های حساس بهره می گیرند تا ارزش شرایط پایه، ارزش بهترین شرایط و ارزش بدترین شرایط را نمایش دهند. گر چه در بدترین شرایط، اکثر مدل ها تقریباً همیشه صعودی هستند اما تنها سؤال این است که تا چه میزان این چنین هستند؟ چارت زیر نشان می دهد که چقدر تحلیل گران بنیادی می توانند لجوجانه صعودی باشند.



تعصبات تحلیل گران:

اکثر اطلاعاتی که وارد تحلیل ها می شود از خود شرکت ها به دست می آید. شرکتهای، مدیران آشنا با سرمایه گذاری را استخدام می کنند تا به نحو اخص جامعه تحلیل گران را در دست داشته باشند و اطلاعات را بفهمند. همانگونه که مارک تواین گفته است: « دروغ ها وجود دارند، لعنت بر دروغ ها و آمار. » هنگامی که نوبت پردازش اطلاعات یا اعلان خبر میرسد، مدیران، با سرمایه گذاری آشنا و خود ماموران ارشد مالی حرفه ای هستند. تنها تحلیل گران جانب دار - خرید مایلند تا آمار گذشته شرکت را به مخاطره ببیندازند. آنها گزارش هایی را می خوانند که توسط تحلیل گران جانب دار - فروش نوشته شده است. تحلیل گرانی که برای کار گزاران بزرگ کار می کنند به علاوه در گیر بانکداری سرمایه گذاری و پذیره نویسی

برای شرکت‌ها نیز هستند. حتی اگر چه دیوار چین نیز برای جلوگیری از اشتباه شدن مقاصد و نیات وجود داشته باشد، باز هم کارگزاران با شرکت‌هایی که تحلیلشان می‌کنند رابطه مداومی دارند. هنگام مطالعه این گزارش‌ها مهم است تمام تعصباتی که ممکن است یک تحلیل‌گر جانب‌دار-فروش داشته باشد را مد نظر بگیریم. از طرف دیگر، تحلیل‌گر جانب‌دار-خرید صرفاً شرکت را از دیدگاه سرمایه‌گذاری برای مدیر سبد سهام تحلیل می‌کند. اگر رابطه‌ای با شرکت باشد، این رابطه معمولاً با عبارات متفاوتی بیان می‌شود. در برخی مواقع ممکن است به عنوان سهام‌داران بزرگ باشد.

تعریف ارزش عادلانه:

وقتی ارزش‌یابی‌های بازار از هنجارهای تاریخی فراتر رود، برای جبران کردن پیش‌فرض‌های افزایش‌دهنده و رشد، فشاری وارد می‌آید. اگر wall street بازار سهام را با ۵۰ بار در آمد ارزش‌گذاری کند و پیش‌فرض جاری ۳۰ بار باشد، تحلیل‌گر مجبور خواهد بود این پیش‌فرض را به سطحی بالاتر ارتقاء دهد. یک ضرب‌المثل قدیمی در wall street وجود دارد: ارزش هر دارایی تنها آن مقداری است که فردی می‌خواهد برای آن پول پرداخت کند. (قیمت جاری). تنها چون قیمت‌های سهام نوسان می‌یابد پیش‌فرض‌های افزایش‌دهنده و رشد نیز نوسان خواهند یافت. آیا ما به wall street و قیمت بازار سهام اعتقاد داریم یا به تحلیل‌گر و پیش‌فرض‌ها؟

عادت بر آن است که جریان‌شناور پول نقد یا در آمد‌ها یا پیش‌فرض‌ها در هم بیامیزد تا به قیمت عادلانه برسد. گر چه چون بسیاری از شرکت‌ها پول خود را از دست داده یا می‌دهند، متداول شد که تجارت را به عنوان مضربی از عایدی آن تجارت ارزش‌گذاری کنند. به نظر خوب می‌آید به جز این مورد که مضرب بیش از PE (نسبت قیمت به در آمد) بسیاری از سهام‌ها است. البته برخی شرکت‌ها در ۳۰ بار عایدی تخفیف در نظر می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

تحلیل‌های بنیادی می‌توانند ارزشمند باشند اما باید با احتیاط به آنها نزدیک شد. اگر تحلیلی را می‌خوانید که توسط تحلیل‌گر جانب‌دار-فروش نوشته شده، مهم است که با تحلیل‌گری که در پس گزارش قرار دارد آشنا شوید. همه ما تعصبات شخصی خودمان را داریم و تحلیل‌گر نیز ممکن است چنین تعصباتی داشته باشد. هیچ اشکالی در این وجود ندارد و تحقیق می‌تواند ارزشمند باقی‌بماند. بیا موزید که نرخ بندی چه معنی‌ای می‌دهد و از سابقه یک تحلیل‌گر قبل از عمیق شدن در تحقیق او مطلع باشید. مطالب مطبوعاتی و گزارش‌های مشارکتی اطلاعات خوبی را به دست می‌دهند اما باید با درجه معقولی از شکاکیت خوانده شوند تا واقعیت‌ها را از اشتباهات جدا کنید. مطالب مطبوعاتی بر اثر تصادف رخ نمی‌دهند و ابزار تقاضای (parchase reques) خرید مهمی برای شرکت‌ها می‌باشند. سرمایه‌گذاران باید خوانندگان ماهر بشوند تا اطلاعات مهم را دریابند و مزخرفات را نادیده بگیرند.